

## شهید سید عباس هاشمی



نام پدر	سید محمد
تاریخ تولد	۱۳۴۵/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - تنگستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۴/۱۱/۲۳
محل شهادت	فاو
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	—
تحصیلات	پنجم ابتدایی
مدفن	عالی چنگی

## زندگینامه

### زندگینامه شهید

در روستای عالی چنگی در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود . در کودکی علاقه بخصوصی به اسلام و ائمه اطهار داشت و همیشه در مجالس عزاداری ائمه اطهار شرکت می نمود . در سن شش سالگی روانه مدرسه محل سکونت خود شد و با پایان دوره ابتدایی برای ادامه تحصیل راهنمایی به مدرسه گورک سادات رهسپار شد . پس از پایان کلاس دوم راهنمایی ترک تحصیل نمود و به کمک پدرش در کشاورزی مشغول بکار شد . با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام راحل و فرمان تشکیل بسیج بیست میلیونی به عضویت پایگاه مقاومت شهید بهشتی عالی چنگی در آمد و یکی از اعضای فعال پایگاه مقاومت شد و از آنجا که خود را وقف اسلام و انقلاب کرده بود با آغاز جنگ تحمیلی در بسیج سپاه اهرم ثبت نام نمود و روانه دوره آموزشی در کازرون شد . دوره آموزشی را با موفقیت به پایان رسانید . بعد از مدت کوتاهی عازم جبهه های حق علیه باطل شد و در عملیات غرور آفرین والفجر هشت ۸ شرکت نمود . در عملیات والفجر هشت به عنوان کمک آرپی جی زن در جبهه خدمت می کرد که تاریخ ۶۴/۱۱/۲۳ در جبهه مفقود شد و بعد از یازده سال جسد مطهرش توسط گروه تجسس شناسایی شد و با شکوهی هر چه تمامتر تشییع و تدفین شد . خداوند آن شهید را جزا شهدای اسلام قرار دهد .

### سجایای اخلاقی شهید سید عباس هاشمی

#### ۱- پیروی از ولایت فقیه

#### ۲- نگوشت دنیا و عدم وابستگی به لذات زودگذر آن

#### ۳- بردباری و فرو بردن خشم

#### ۴- تواضع و فروتنی

#### ۵- انعطاف و استقامت در طریق حق

#### ۶- در برابر قضا و قدر خداوندی تسلیم بود و هرگز شکایتی از این بابت نداشت

#### ۷- شوق رسیدن به شهادت تمامی تار و پود وجود او را در بر گرفته بود

#### ۸- خواسته های او از دنیای مادی بسیار کم و در حد ضرورت بود

#### ۹- در رفتار او نرم خوئی و ملاطفت با حزم و دوراندیشی وجود داشت

#### ۱۰- در سختی ها و شدائد شکیبا بود

#### ۱۱- سعادت خویش را در محبت و رضای خدا و اطاعت از اولیای او می دانست

۱۲- در برپایی عبادات بخصوص نماز بعنوان اساس دین اهتمام لازم به خرج می داد

۱۳- بزرگ شمردن اعمال خویش در او دیده نمی شد

۱۴- افعالی را که خداوند حرام و ناپسند فرموده بود عمل نمی کرد

۱۵- شجاعت وصف ناپذیر در میادین مبارزه علیه دشمن در جبهه ها

پیام شهید شهید سید عباس هاشمی

رفتار و کردار نیک هر شهید برگرفته از پیامهای عالی و اندیشه بزرگ و ستبر اوست که می توان در رفتار کردار شهید سید عباس هاشمی این الگوها را به عینیت مشاهده کرد.

او به عنوان یک انسان موحد و خداشناس به جایگاه نماز اهمیت خاص نشان می داد و آنرا معراج انسانی می دانست و حفظ و حراست از کشور را در گرو سخنان و پیروی از سخنان امام خود می دانست و از تمامی دوستانش درخواست داشت که با حرکت بسوی جبهه های نبرد در گرم نگه داشتن آن کوشا باشند و از یاری رهبر خود دست نکشید تا خدا ناکرده انقلاب به دست ناهلان آن نیفتد.

او به برادرانش سفارش و تأکید داشت که حسین وار زیست نمایند و در صحنه جنگ حق علیه باطل همراه و هنگام سایر رزمندگان باشند و امام عزیز را تنها نگذارند.

به مساجد توجه خاص داشت و آن را به عنوان سنگر پایدار انقلاب و دین می دانست و دوری از آن را یکی از آفات دین برمی شمرد.

خانواده شهید سید عباس هاشمی

حاج سید محمد هاشمی متولد ۱۳۰۶ و خاتون هاشمی متولد سال ۱۳۰۶ پدر و مادر بسیجی شهید سید عباس هاشمی که هر دو در خانواده های باسعادت و مکرم سادات جلیل القدر در روستای عالی چنگی بدنیا آمده اند می باشند.

حاج سید محمد هاشمی در حالی زندگی خویش را آغاز نمود که ۴۰ روز بیشتر نداشت که مادرش را از دست داد و از همان روزگار در کنار مهر پدری بزرگ گردید تا اینکه بزرگ گردید و همگام با شغل پدر به امر کشاورزی پرداخت. به علت شرایط خانواده و تشویق او، به سرعت قرائت قرآن و سواد مکتبی را در مکتبخانه های روستا فرا گرفت و در امر تعلیم و تربیت فرزندان نیز این امر بکار گرفت. در سن ۶۰ سالگی توفیق زیارت خانه خدا برای او میسر گشت و توانست به این امر مهم و زیارت مقام ابراهیم پیامبر دست یابد.

پدر و مادر شهید سید عباس هاشمی درد دوری از فرزند را بمدت ۱۱ سال تجربه نمود و در این مدت با قدمهای استوار اسوه ای ایثار و پایداری را در خود تقویت نمودند. تا اینکه پیکر پاک و مطهر فرزندان از سرزمین کربلای فاو به کشور بازگردانیده شد. و در کنار سایر دوستان شهیدشان به خاک سپرده شد. در حال حاضر پدر و مادر شهید سید عباس در قید حیات می باشند و از آنان ۴ پسر و ۱ دختر باقی مانده است.

## مصاحبه

مصاحبه با خانواده شهید سید عباس هاشمی

اینک برادر بزرگواری که خود سالیان زیادی را در راه اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی صرف کرده ، در مورد برادر بزرگوارش چنین می گوید :

شهید سید عباس عاشق و شیفته شهادت و رسیدن به وصال خدای خود بود به هر طریقی که برای او امکان پذیر بود می خواست دوستان هم رزمی را در جبهه های حق علیه باطل یاری نماید . بیاد دارم که برای اولین بار که می خواست به جبهه جنگ برود هنگام مراجعه به بسیج اهرم ، مسئولین اعزام متوجه می شوند که تاریخ تولد او از حد قانونی جهت اعزام کمتر است بهمین خاطر به خانه برمی گردد و در شناسنامه تاریخ تولد را عوض می کند و از آن فتوکی تهیه می کند و تحویل مسئولین اعزام می دهد ولی آنان متوجه دست کاری در شناسنامه می شوند از اعزام او ممانعت می ورزند . سید عباس به هر صورتی که برای او امکان پذیر بود دوست داشت به پیام مرشد و مولای خود حضرت امام خمینی (ره) جهت گرم نگه داشتن جبهه عمل نماید .

یکی از روشهایی که سید عباس بعد از اینکه در مرحله اول موفق نشد به جبهه اعزام گردد روش اعتصاب غذا بود . او به بسیج اهرم مراجعه کرده بود و به او گفته بودند روش اعزام او رضایت نامه از والدین است . او به خانه مراجعه کرده بود ولی خانواده به دلیل اینکه او از ناحیه شکم بیمار و مشکل داشت و همچنین بخاطر سن کم او، خانواده با اعزام او به جبهه چندان راضی نبودند ولی او رضایت آنان را از طریق اعتصاب غذا به (مدت چند روز) جلب کرد و این اعتصاب غذای او بحدی رسیده بود که ما مجبور بودیم برای اینکه از نظر بدنی ضعیف نشود به او آب قند بدهیم .

او آنچنان علاقمند و وابسته به جبهه های حق علیه باطل شده بود که هرگونه عواملی که مانع رسیدن او می شد از راه برمی داشت و هیچگونه خستگی و ملالی او را از هدف بزرگش که شهادت در راه خدا و میهنش بود باز نمی داشت . یک وقت دیگر نیز شهید سید عباس جهت اعزام به جبهه و تکمیل آموزشهای نظامی خود به شیراز می رود وقتی از او کارت آموزش نظامی می خواهند متوجه می شود که آنرا در بوشهر جا گذاشته است . پس فوراً شیراز را به مقصد بوشهر ترک می کند و کارت آموزشی خود را به پادگان دو شیراز جهت اعزام می رساند تا از قافله و کاروان یاران و دوستانش جهت حفظ ارزشهای متعالی اسلام و انقلاب عقب نماند .

## خاطرات

خاطره از شهید سید عباس هاشمی

در اواخر سال ۱۳۶۴ بود که ما بچه های بوشهر به همراه شهید بزرگوار سید عباس در ۳ گردان مالک اشتر ، حضرت ابوالفضل (ع) و حضرت زینب (س) در ناوتیپ امیرالمؤمنین (ع) مستقر شدیم ، در گردان مالک اشتر سازماندهی شدیم و سپس در ماهشهر و بعد از آن در احمدآباد آبادان حرکت را به سوی منطقه عملیاتی والفجر ۸ از طرف اروندرود و به مقصد فاو عراق آغاز کردیم فرمانده گردان ما در مالک اشتر حاجی حسن زاده و معاون او شهید مجید بشکوه بود . طبق نظر فرماندهان انجام عملیات والفجر ۸ جهت تصرف شهر فاو بعثت اهمیتی که این شهر برای کشور کویت در شمال خلیج فارس داشت و نیز بخاطر تسلط بر اروندرود و اشغال سکوهای پرتاب موشک انجام می گرفت .

شهید سید عباس نیز یکی از هزاران نفری بود که خود را به جبهه جنگ رسانده بود تا در خیل کاروانیان عاشق جبهه ها باشد . من فرماندهی دسته شهید سید عباس را عهده دار بودم و او را از گذشته بسیار دور می شناختم زیرا در نزدیکی محله سکونت ما زندگی می کرد . شخصیتی آرام و در عین حال متواضع و باوقار داشت . در شب عملیات خضوع و خشوع او چهره خاص دیگری را از او بوجود آورده بود .

عملیات آغاز شد . با وجود اینکه نیروهای عراقی موانع لازم را جهت جلوگیری از حرکت نیروهای ایرانی تعبیه نموده بودند ولی نیروهای جان بر کف ما همچنان موانع را از سر راه خود برمی داشتند و به سمت جلو حرکت می کردند . بطوری که برای تثبیت مواضعی خود مجبور شدیم به سمت جلو پیشروی بیشتری نماییم ولی آتش سنگین دشمن ما را به مواضعی که از قبل برایمان مشخص شده بود قرار داد . در همین اثنا بعثت اینکه شهید سید عباس از ناحیه پا زخمی شده بود موفق به عقب نشینی نگردید و طبق مشاهدات برخی از بچه های گردان که خود را به عقب رسانده بودند ، شهید سید عباس از ناحیه پا زخمی شده بود و وقتی که سر بازان عراقی به او رسیدند با تمامی قساوت قلب تیر خلاص به او زدند و به فیض عظمای شهادت نایلش نمودند گر چه پس از این حادثه شبها

بچه های گردان بسیاری از دوستان شهیدشان را توسط پرتاب طناب به عقب می راندند ولی موفق به

برگرداندن جسد مطهر سید عباس نشدند و به همین دلیل پس از سپری شدن ۱۱ سال از شهادتش در منطقه عملیاتی توسط گروه تجسس شناسایی و در حالی که با به پرچم ایران عزیز آذین شده بود به سرزمین ایران اسلامی برگردانده شد .

روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

«جعفر عبدالله پور همرمزم شهید سید عباس هاشمی»



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران